

نقش جهت‌گیری‌های ارزشی و علاقه به پول بر باور به عدالت دنیا

دکتر محسن گل‌پرور^{۱*}، دکتر حمیدرضا عریضی^۲

۱. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد خراسگان (اصفهان)

۲. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان

چکیده

زمینه: باور به عدالت با ارزش‌های اخلاقی و انسانی به‌دلایل مختلفی در هم تنیده شده است. در عین حال علاقه افراد به مسائل اقتصادی و مادی نیز می‌تواند جهت‌گیری باورهای انسان‌ها را از حضور یا عدم حضور عدالت در دنیا تعیین نماید. پژوهش حاضر با هدف تحلیل اکتشافی رابطه جهت‌گیری‌های ارزشی و علاقه به پول با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در بین زنان و مردان در اصفهان به مرحله اجرا در آمد.

روش کار: از جامعه آماری ساکنان شهر اصفهان، تعداد ۷۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای برای پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش انتخاب شدند. روش پژوهش از نوع تحلیل مسیر (از زمره پژوهش‌های همبستگی) بود. پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش شامل پرسشنامه ۲۰ سؤالی باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، پرسشنامه ۱۷ سؤالی علاقه‌مندی به پول (با چهار زیرمقیاس اهمیت، موفقیت، برانگیزاندگی و غنی بودن) و پرسشنامه ۲۰ سؤالی جهت‌گیری ارزشی (با چهار زیرمقیاس گرایش به نفع همگانی، پیشرفت، قدرت و نیک‌خواهی) بود. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن بود که بر باور به دنیای عادلانه مردان، موفقیت، گرایش به نفع همگانی و نیک‌خواهی و بر باور به دنیای عادلانه زنان، موفقیت و پیشرفت دارای ضریب مسیر مستقیم معنادار ($P < 0/01$ یا $P < 0/05$) هستند. اما یافته‌ها در باب باور به دنیای ناعادلانه مردان و زنان حاکی از آن بود که بر باور به دنیای ناعادلانه مردان، فقط گرایش ارزشی نیک‌خواهی و بر باور به دنیای ناعادلانه زنان، فقط اهمیت، موفقیت و برانگیزاندگی پول دارای ضریب مسیر معکوس و معنادار ($P < 0/01$ یا $P < 0/05$) هستند.

نتیجه‌گیری: شواهد حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در مردان جهت‌گیری‌های ارزشی و علاقه به پول با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه دارای روابطی متفاوت از همین روابط در زنان است. تلویحات مسیرهای به‌دست آمده در قالب نمودار مسیر مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: باور به دنیای عادلانه، باور به دنیای ناعادلانه، علاقه به پول، جهت‌گیری ارزشی، زنان و مردان

سرآغاز

ارتباط دارند. این امر به این دلیل است که ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی نقش مهمی در تعیین رویه‌های قابل قبول برای توزیع امکانات و منابع دارند.

در الگوی حفاظت ارزشی^۱ اسکیتکا^۲ (۳) در حوزه استدلال در باب عدالت، ارزش‌ها نقش محوری و اصلی را بازی می‌کنند. این الگو بیان می‌دارد که نتایج و رویه‌ها، چنان که با ارزش‌های اخلاقی و انسانی افراد همخوان باشد، به‌عنوان امر عادلانه و منصفانه و در صورت

علیرغم اینکه تحلیل‌های مفهومی در باب ارتباط بین ارزش‌ها و عدالت در فلسفه و نظریه پردازی‌های فلسفی تاریخچه به نسبت طولانی دارد، ولی در پیشینه تحقیقات روانشناسی اجتماعی توجه به نسبت کمی به این ارتباط معطوف داشته است (۱ و ۲). به باور محققانی چون فیدر (۲) بسیاری از افراد عامی بر این عقیده‌اند که ایده‌های معطوف به عدالت و بی‌عدالتی با ارزش‌هایی که برای انسان‌ها دارای اهمیت است

جهت‌گیری ارزشی تعالی خویشتن معطوف به گستره تعالی مسائل غیرخودخواهانه برای افزایش بهزیستی دیگران است. این جهت‌گیری ارزشی مشتمل بر گرایش به نفع همگانی^{۱۱} و نیک‌خواهی^{۱۲} است. در سمت دیگر این پیوستار که خودافزایی قرار دارد، ارزش‌ها مبتنی بر افزایش منافع شخصی حتی به قیمت هزینه و زمان دیگران است. در این سوی پیوستار قدرت^{۱۴} و پیشرفت^{۱۵} قرار دارد. بعد دوم ارزش‌ها موسوم به پذیرش تغییر در برابر محافظه‌کاری^{۱۶} است. در این بعد از ارزش‌ها افراد می‌توانند منافع و علایق هیجانی و عقلانی خود را دنبال کنند و یا می‌توانند بیشتر به دنبال تأمین و حفظ رابطه با دیگران، نهادها و یا سنت‌ها باشند. مجموعه اول ارزش‌هایی نظیر تحریک و لذت‌گرایی و در مجموعه دوم، ارزش‌هایی نظیر سنت، هم‌رنگی و امنیت مطرح می‌باشند. در این پژوهش فقط بر بعد تعالی خویشتن و خودافزایی تمرکز شده و جهت‌گیری اقتصادی و مادی به علاقه‌مندی به پول به‌عنوان یک عامل مهم در زندگی انسان‌های امروزی معطوف شده است. بحث محوری که توسط اسکیتکا (۳) مطرح شده و در واقع یکی از زیربناهای نظری و پژوهشی برای پژوهش حاضر محسوب می‌شود، این امر بوده که وقتی افراد احساس می‌کنند که ارزش‌های مهم شخصی آنها مورد توجه قرار گرفته و دنبال شده، احساس حضور عدالت و انصاف به آنها دست می‌دهد و در مقابل وقتی احساس عدم که این ارزش‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته، به‌سادگی احساس عدم حضور عدالت و انصاف به آنها دست می‌دهد.

میزان ارزش و اهمیتی که افراد برای پول قائل هستند، می‌تواند به‌عنوان یک جهت‌گیری ارزشی اقتصادی^{۱۷} بر داورهای معطوف به عدالت مؤثر واقع شود. وقتی پول و ثروت به‌عنوان نمادی از موفقیت تلقی شود و افراد تعلق خاطر زیادی به موهبت‌های ناشی از غنی بودن مادی داشته باشند، احتمال دارد که آنچه این تمایل و نگرش آنها را تأمین می‌کند عادلانه و هر آنچه غیر از این باشد را از نظر خود غیرمنصفانه و حتی ناعادلانه ادراک کنند (۹). به همین دلیل است که وقتی افراد احساس می‌نمایند که آنچه از دنیا نصیبشان شده تناسبی با شایستگی، توانایی و استعداد آنها ندارد، ممکن است به‌سادگی تمایل به رفتارهای غیراخلاقی و انسانی نظیر دزدی، تقلب و کم‌کاری پیدا کنند (۱۰). در واقع زیربنای چنین رفتارهایی این ایده و باور است که اگر با انسان در موقعیت‌های مختلف عادلانه رفتار نشود، اصل مبادله متقابل ایجاب می‌کند که افراد نیز در مقابل شرایط چندان اخلاقی و عادلانه عمل نکنند. اما باورهای معطوف به عدالت، اشکال متعددی دارد. یکی

ناهمخوانی به‌عنوان امر غیرمنطقی و غیرعادلانه نگریسته می‌شوند. در این الگو همچنین بیان شده که تجربه و یا رفتار به شیوه‌ای که تخطی جدی از ارزش‌های اخلاقی و انسانی محسوب شود، تهدیدی برای حس هویت عمومی و خصوصی افراد است. برخی تحقیقات اخیر حمایت پژوهشی لازم را برای این الگو فراهم ساخته‌اند. برای نمونه اسکیتکا و میولن^{۱۳} (۴) نشان داده‌اند که چنانچه مراجع قدرت و مؤسسات (نهادهای) به ارزش‌های اخلاقی و انسانی افراد احترام بگذارند و آنها را معتبر بشمارند، افراد نیز در ادراک خود درباره رعایت انصاف و عدالت در فضای پیرامون خود جهت‌گیری ارزشی و منصفانه را نشان می‌دهند.

بر اساس فعالیت‌های پیشگامانه مک‌کلین‌توک^۴ (۵) و دی‌کرمر^۵ (۶) نیز جهت‌گیری ارزشی اجتماعی^۶، همان تفاوت‌های فردی در نحوه ارزیابی افراد از پیامدهایی است که نصیب خود آنها و دیگران می‌شود. در چارچوب چنین الگویی، افراد به لحاظ ارزشی به‌عنوان افراد معطوف به اجتماع^۷ یا معطوف به خود^۸ طبقه‌بندی می‌شوند. افراد معطوف به اجتماع، بدنبال به حداکثر رساندن پیامدها و منافع مشترک همگانی هستند ولی افراد معطوف به خود بدون توجه به تلاشی که دیگران همزمان برای خود انجام می‌دهند، در پی به حداکثر رساندن منافع و پیامدهای خود هستند. در این راستا دی‌کرمر (۶) طی تحقیقی پی برد که تخطی از قاعده انصاف در توزیع نتایج و پیامدها در افراد معطوف به خود با عزت نفس و پذیرش خود دارای رابطه منفی است. در چارچوب جهت‌گیری‌های ارزشی، شوارتز^۹ (۷) ارزش‌ها را به‌عنوان اهداف و انگیزش‌هایی که به‌عنوان اصول راهنما در زندگی مردم عمل می‌کنند تعریف نموده و آنها را به ده نوع انگیزشی متمایز که هر یک منافع و اهداف انگیزشی متفاوتی دارند تقسیم نموده است. این نظریه با استفاده از زمینه‌یابی ارزشی شوارتز^{۱۰} (SVS) که طی آن پاسخگویان پنجاه و شش ارزش مجزا را درجه‌بندی می‌کنند مورد مطالعه وسیع و گسترده قرار گرفته است. در طول قریب به بیست سال گذشته، زمینه‌یابی ارزشی شوارتز (SVS) در بیش از ۶۵ کشور جهان مورد بررسی قرار گرفته و شواهد حاصل از این مطالعات گسترده، حمایت وسیعی برای نظریه ارزش‌های شوارتز فراهم نموده است (۸). در نظریه شوارتز (۷) اهداف و منافع که انواع ارزش‌ها در خدمت آنها هستند، می‌توانند در راستا و یا در تعارض با یکدیگر باشند. انواع ارزش‌های مطرح در این نظریه یک پیوستار دو بعدی تشکیل می‌دهند که پیوستار اول آن تعالی خویشتن در برابر خود افزایش^{۱۱} است.

عادلانه و ناعادلانه رابطه داشته باشد. در گرایش به نفع همگانی، تفاهم، تحمل و مراقبت از بهزیستی همگانی (صلح، همکاری، جهانی زیبا، یکی شدن با طبیعت و امثال آن) و در نیک‌خواهی نیز مراقبت از بهزیستی دیگران در روابط نزدیک و در تعاملات روزمره نظیر یاری رسانی، مسؤولیت‌پذیری، بخشش، احترام و وفاداری محور اصلی هستند. در عدالت رویه‌ای نیز اصولی که همواره مطرح هستند، بی‌طرفی، قابل اعتماد بودن و توجه به موقعیت و شرایط افراد است (۱۴). بدین جهت نیز به نظر می‌رسد که بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه نیز با این ابعاد ارزشی رابطه وجود داشته باشد. به معنای دیگر چنانکه جهت‌گیری ارزشی افراد مبتنی بر نیک‌خواهی و نفع همگانی باشد، طبعاً اگر شرایط حاکم بر دنیا در راستای این ارزش‌ها باشد منصفانه تلقی می‌شود ولی اگر نباشد غیرمنصفانه.

مرورهای انجام شده در تحقیقات حاکی از آن است که رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با جهت‌گیری‌های ارزشی اقتصادی و غیراقتصادی بین زنان و مردان چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بدین جهت در پژوهش حاضر این ارتباطات به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است.

روش کار

جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان و مردان ۱۸ سال به بالا در شهر اصفهان در بهار ۱۳۸۶ تشکیل داده‌اند. این جامعه آماری با شرایط سنی ذکر شده بدین دلیل انتخاب شده‌اند که از لحاظ جهت‌گیری ارزشی و علاقه به پول در وضعیت و جهت‌گیری مشخصی باشند. نمونه پژوهش را ۷۰۰ نفر (۳۵۰ زن و ۳۵۰ مرد) تشکیل داده‌اند. این تعداد از طریق نمونه‌گیری چند مرحله‌ای از طریق خیابان‌ها، کوچه‌ها و منازل مستقر در کوچه‌های مناطق شرقی، غربی، جنوب و شمال شهر اصفهان به نسبت مساوی نمونه‌گیری شده‌اند. مراحل نمونه‌گیری بدین ترتیب بوده که ابتدا از مناطق چهارگانه تعدادی خیابان نمونه‌گیری شد، سپس در مرحله دوم از این خیابان‌ها، تعدادی از کوچه‌ها به صورت تصادفی ساده و در نهایت تعدادی از منازل برای پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای زیر در پژوهش استفاده شده‌اند:

۱. پرسشنامه جهت‌گیری ارزشی: برای سنجش جهت‌گیری ارزشی، از خرده مقیاس ارزش‌های تعالی خویشتن، خودافزایی (که هر یک دارای دو بعد نیک‌خواهی و گرایش به نفع همگانی و قدرت و پیشرفت

از این دسته باورها که برای اولین بار به‌عنوان یک نیاز توسط لرنر (۱۱) حدود چهار دهه پیش مطرح شده، باور به دنیای عادلانه^{۱۸} است. باور به دنیای عادلانه دارای این مضمون است که شرایط دنیا و گردش روزگار به نحوی است که باعث می‌شود افراد براساس شایستگی خود و تلاشی که می‌کنند به دستاوردها دست پیدا کنند. بنابراین همواره افراد خوب با پیامدها و نتایج خوب و افراد بد با پیامدها و نتایج بد مواجه می‌شوند (۱۲).

تحقیق لوکاس، الکساندر، فایرستون و لیبرتون^{۱۹} (۱۳) نشان داده که در حوزه باور به دنیای عادلانه، توزیع پیامدها و رویه‌های تصمیم‌گیری نقش مؤثری دارند. با توجه به همین تأکید به‌نظر می‌رسد که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با گرایش‌های ارزشی و علاقه به پول ارتباط داشته باشند. دو حوزۀ ارزشی قدرت و پیشرفت که بُعد ارزشی خودافزایی را تشکیل می‌دهند، از لحاظ محتوایی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه مرتبط هستند. قدرت حول محور کسب وجهه اجتماعی و کنترل دیگران از طریق سرپرستی و ثروت و در مقابل پیشرفت حول محور موفقیت و شایستگی فردی با توجه به هنجارهای اجتماعی (نظیر معیارهای موفقیت، توانایی، آمال قابل قبول و نفوذ) دور می‌زنند. آنچه که از محتوای این دو حوزه ارزشی بر می‌آید، ارتباط نزدیک و حتی همسویی قابل ملاحظه آنها با حوزه دستاوردها و نتایج (نظیر افزایش پرداخت‌ها، ترفیع و امثال آن) است. یعنی افراد در این دو نوع ارزش بیشتر خواهان نتایجی هستند که برای آنها قدرت و پیشرفت را به ارمغان می‌آورد. بنابراین اگر آنچه از دنیا نصیب فرد می‌شود تأمین‌کننده این دو ارزش باشد، دنیا عادلانه در غیر این صورت دارای شرایط ناعادلانه است (۱). پول نیز به‌عنوان پدیده‌ای که دارای ارزش مادی است و از بسیاری جهات معیار دآوری در باب خود و دیگران است نیز باید با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه رابطه داشته باشد. در واقع پول به‌عنوان نماد و نشانه ارزش اقتصادی، بسان دو حوزه ارزشی فوق می‌تواند با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه دارای ارتباط باشد. یعنی در صورتی که جهت‌گیری رفتاری و ارزشی در بین افراد جامعه مبتنی بر اقتصاد، مادیات و نفع شخصی باشد، علاقه و توجه به پول به اشکال مختلف افزایش می‌یابد و در صورت افزایش علاقه به پول، این پدیده چند وجهی به عاملی مؤثر برای دآوری در باب عدالت تبدیل می‌شود.

از طرف دیگر جهت‌گیری ارزشی تعالی خویشتن (یعنی گرایش به نفع همگانی و نیک‌خواهی) نیز به اشکال مختلف می‌تواند با باور به دنیای

اهمیت^{۲۲}، موفقیت^{۲۳}، غنی بودن^{۲۴} و برانگیزانندگی^{۲۵} است استفاده به‌عمل آمد. مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه پنج درجه‌ای است (کامل مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) و چهار عامل آن از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفته است. آنچه که در این پرسشنامه مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد، نگرش‌ها و تصوراتی است که افراد نسبت به پول دارند. شواهد روایی و پایایی این پرسشنامه به تفصیل در مطالعات قبلی نظیر تانگ و چیو (۱۰) مرور و بررسی شده است. شواهد پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر در جدول ۱ ارائه شده است.

۳. پرسشنامه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه: پرسشنامه ۲۰ سؤالی را بین وپپلاو^{۲۶} (۱۵ و ۱۶) که در تحقیقات داخلی و خارجی دوسازه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه آن از طریق تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفته (۱۸، ۱۷) برای سنجش باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه نیز بر مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) پاسخ داده می‌شود. در خرده مقیاس باور به دنیای عادلانه، افزایش امتیازات نشان‌دهنده آن است که فرد دنیا را مکانی مملو از عدالت می‌نگرد، ولی در مقابل در باور به دنیای ناعادلانه افزایش نمرات حاکی از ناعادلانه تلقی کردن شرایط دنیاست. شواهد پایایی این پرسشنامه نیز در جدول ۱ آمده است.

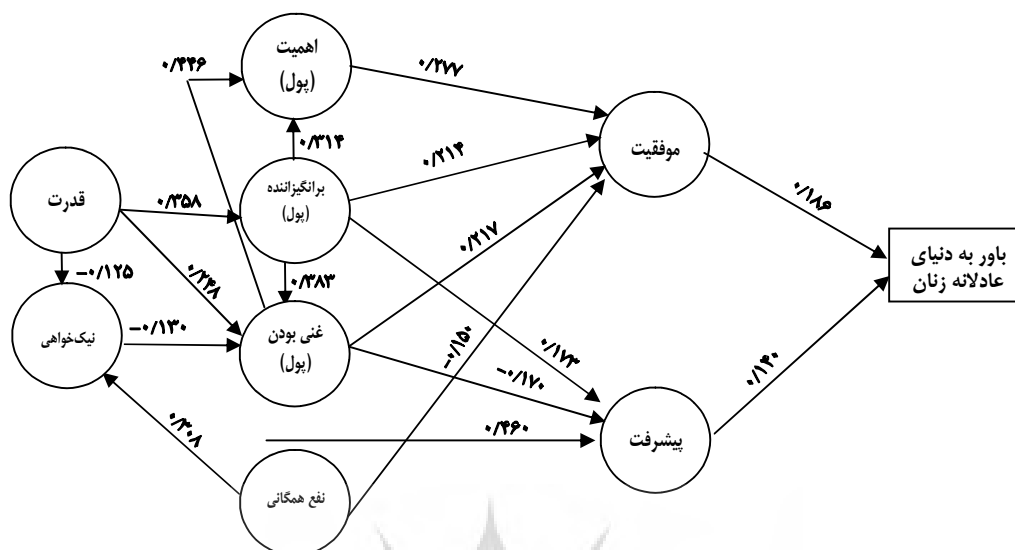
هستند) شوارتز استفاده به‌عمل آمد. این خرده مقیاس در مجموع دارای ده گزاره است و هر یک از این گزاره‌ها یکی از ابعاد تعالی خویشتن یا خودافزایی را پوشش می‌دهند. هر یک از این گزاره‌ها بسان یک پیوستار هستند که فرد به لحاظ ارزشی موقعیت خود را بر روی این پیوستار به جهتی که خود را با آن متناسب‌تر می‌بیند، علامت‌گذاری می‌کند. در عین حال براساس گزارش لاپیونن و همکاران (۱) این گزاره‌های ارزشی را می‌توان به‌صورت سؤالی نیز مطرح و پاسخ افراد را بر مقیاس‌های پنج درجه‌ای و یا بیشتر مورد اندازه‌گیری قرار داد. چهار بعد نیک‌خواهی، گرایش به نفع همگانی، قدرت و پیشرفت از طریق تحلیل عاملی بررسی و تأیید شده است. روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه همچنین از طریق نظر کارشناسان و محققان چندی چه در داخل و چه در خارج مورد تأیید قرار گرفته است. در این پژوهش نیز پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ، ضرایب اسپیرمن - براون و گاتمن بررسی شده که نتایج آن را در جدول ۱ مشاهده می‌کنید.

۲. پرسشنامه علاقه‌مندی به پول (عشق به پول^{۲۷}): برای سنجش علاقه‌مندی به پول در این پژوهش از پرسشنامه ۱۷ سؤالی عشق به پول تانگ و چیو^{۲۱} (۱۰) که دارای چهار خرده مقیاس بنام‌های

جدول ۱: ضرایب پایایی پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش

ردیف	مقیاس‌ها	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ	ضریب اسپیرمن براون	ضریب گاتمن
۱	باور به دنیای عادلانه	۱۱	۰/۷۱	۰/۶۷	۰/۶۶
۲	باور به دنیای ناعادلانه	۹	۰/۶۸	۰/۶۳	۰/۶۱
۳	اهمیت (چیز مهمی است)	۵	۰/۷۸	۰/۷۵	۰/۷۴
۴	موفقیت (پول نشانه موفقیت است)	۴	۰/۸۱	۰/۷۹	۰/۷۷
۵	برانگیزاننده (پول باعث انگیزه می‌شود)	۴	۰/۷۸	۰/۷۷	۰/۷۶
۶	غنی‌بودن (غنی بودن خوب است)	۴	۰/۸۲	۰/۸	۰/۷۹۵
۷	گرایش به نفع همگانی (گرایش ارزشی)	۸	۰/۷۶۸	۰/۷۲۱	۰/۷۱۶
۸	پیشرفت (گرایش ارزشی)	۵	۰/۷۷۴	۰/۷۵۶	۰/۷۵۳
۹	قدرت (گرایش ارزشی)	۵	۰/۶۶۹	۰/۵۳۸	۰/۵۱۱
۱۰	نیک‌خواهی (گرایش ارزشی)	۲	۰/۷۴۶	۰/۷۴۷	۰/۷۴۶

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های پژوهش از تحلیل مسیر به شیوه رگرسیون (۱۹) استفاده به‌عمل آمد. باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در تحلیل به‌عنوان متغیر ملاک و ابعاد جهت‌گیری ارزشی و علاقه به پول به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین در نظر گرفته شده‌اند. تحلیل‌های مسیر انجام شده با استفاده از SPSS صورت پذیرفته است.



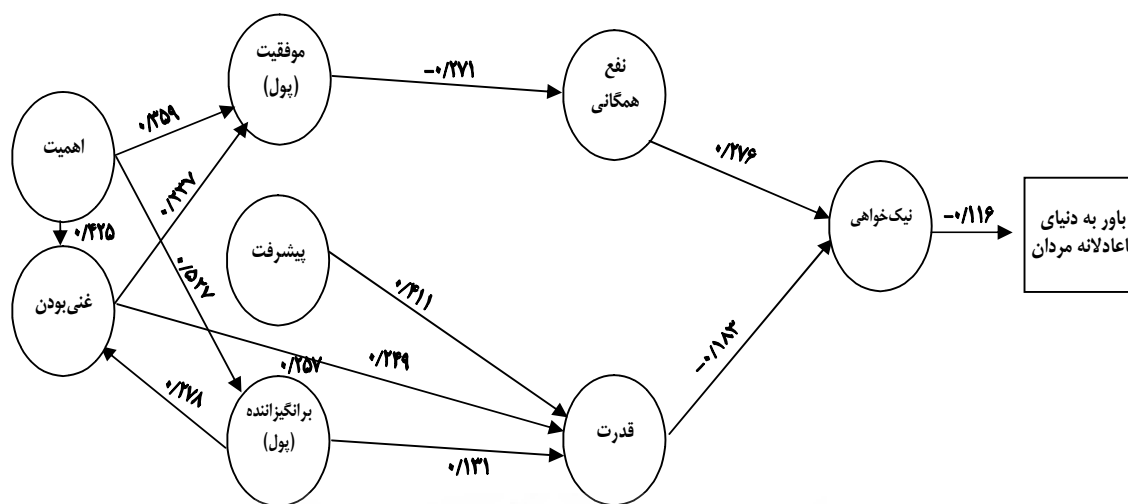
نمودار ۲: نمودار مسیر متغیرهای اثرگذار بر باور به دنیای عادلانه زنان

چنانکه در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، بر باور به دنیای عادلانه زنان، دو مؤلفه موفقیت و پیشرفت دارای ضریب مسیر مستقیم و معنادار هستند، ولی اهمیت، برانگیزانندگی، غنی‌بودن، نفع همگانی، قدرت و نیک‌خواهی از طریق دو مؤلفه موفقیت و پیشرفت بر باور به دنیای عادلانه زنان مؤثر واقع می‌شوند.

جدول ۳: ضرایب مسیر مؤلفه‌های جهت‌گیری ارزشی و علاقه‌مندی به پول بر باور به دنیای ناعادلانه زنان و مردان

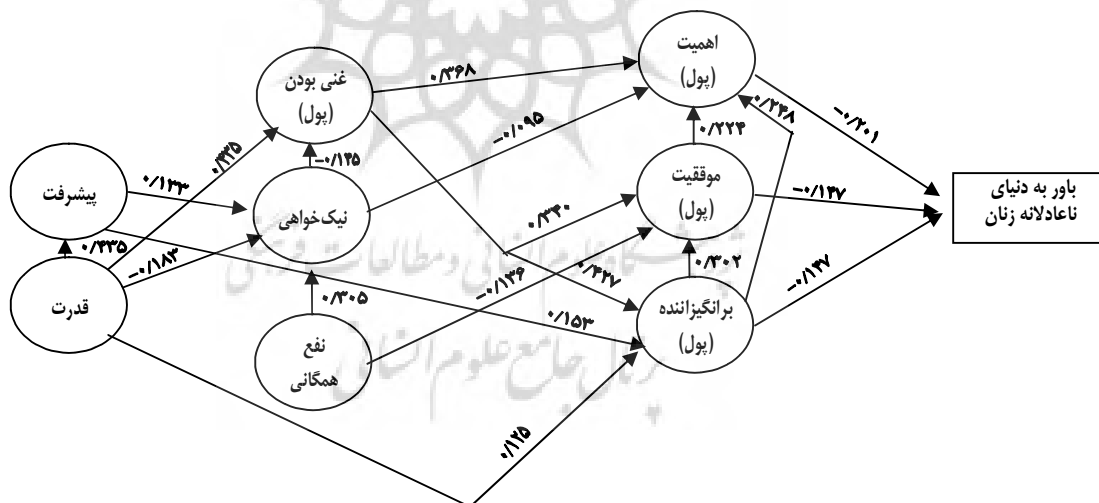
متغیرها	مردان		زنان	
	ضریب مسیر	معناداری	ضریب مسیر	معناداری
۱ اهمیت (پول چیز مهمی است)	-	-	-0.201	0.011
۲ موفقیت (پول نشانه موفقیت است)	-	-	-0.147	0.041
۳ برانگیزاننده (پول باعث انگیزه است)	-	-	-0.147	0.038
۴ غنی‌بودن (غنی بودن خوب است)	-	-	-	-
۵ گرایش به نفع همگانی	-	-	-	-
۶ پیشرفت	-	-	-	-
۷ قدرت	-	-	-	-
۸ نیک‌خواهی	-0.116	0.05	-	-

چنانکه در جدول ۳ دیده می‌شود، بر باور به دنیای ناعادلانه مردان، فقط نیک‌خواهی ($\beta = -0.116$) دارای ضریب مسیر معکوس معنادار ($P < 0.01$) است، اما برای زنان، اهمیت ($\beta = -0.201$)، موفقیت ($\beta = -0.147$) و برانگیزانندگی ($\beta = -0.147$) دارای ضریب مسیر معنادار هستند. بین ابعاد علاقه به پول و ابعاد جهت‌گیری ارزشی نیز ضریب مسیر وجود داشته که نتایج آن را در نمودار ۳ و ۴ مشاهده می‌کنید.



نمودار ۳: نمودار مسیر متغیرهای اثرگذار بر باور به دنیای ناعادلانه مردان

چنانکه در نمودار ۳ قابل مشاهده است، بر باور به دنیای ناعادلانه مردان، فقط گرایش ارزشی نیک‌خواهی دارای ضریب مسیر معکوس معنادار بوده است، اما نفع همگانی، قدرت، موفقیت، پیشرفت، برانگیزانندگی، اهمیت و غنی بودن نیز به واسطه ارتباطی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با نیک‌خواهی دارند، به‌عنوان عوامل اثرگذار غیرمستقیم بر باور به دنیای ناعادلانه مردان تلقی می‌شوند.



نمودار ۴: نمودار مسیر متغیرهای اثرگذار بر باور به دنیای ناعادلانه زنان

چنانکه در نمودار ۴ دیده می‌شود، بر باور به دنیای ناعادلانه زنان، اهمیت، موفقیت و برانگیزانندگی دارای ضریب مسیر معکوس معنادار هستند، ولی غنی بودن، نیک‌خواهی، نفع همگانی، پیشرفت و قدرت نیز از طریق این سه مؤلفه دارای تأثیر مستقیم بر باور به دنیای ناعادلانه زنان، بر این نوع باورها اثر می‌گذارند.

بحث

نظام ارزشی و جهت‌گیری‌های ارزشی انسان‌ها اهداف و منافعی تلقی می‌شوند که افراد را برای حرکت و عمل بر می‌انگیزند. این جهت‌گیری‌های ارزشی می‌توانند ابعاد مختلفی نظیر جهت‌گیری‌های اقتصادی و غیراقتصادی داشته باشند. شوارتز (۷) که از نظریه پردازان مطرح و سرشناس در حوزه ارزش‌هاست، نظریه خود را بر محور د و بُعد پیوستاری ارزش‌ها قرار داده که یکی از آنها تعالی خویشتن - خودافزایی است. در این پژوهش رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه مردان و زنان با تعالی خویشتن و خودافزایی (به‌عنوان جهت‌گیری ارزشی نسبت به خود و دیگران) و علاقه به پول به‌عنوان یک ارزش اقتصادی مورد تحلیل قرار گرفت تا مشخص شود که آیا در داورهای معطوف به عدالت در زنان و مردان عناصر ارزشی متفاوت (اعم از اقتصادی و غیراقتصادی) دخیل هستند. شواهد حاصله حاکی از آن بود که (نمودار ۱) نگرش نسبت به پول به‌عنوان نماد موفقیت در کنار نفع همگانی و نیک‌خواهی بر باور به دنیای عادلانه مردان تأثیر مستقیمی دارند. اما برای زنان موفقیت از ابعاد علاقه به پول و پیشرفت از ابعاد جهت‌گیری ارزشی بیش از دیگر ابعاد علاقه به پول نظیر اهمیت، برانگیزانندگی، غنی‌بودن و دیگر ابعاد جهت‌گیری‌های ارزشی نظیر نفع همگانی، قدرت و نیک‌خواهی بر باور به دنیای عادلانه زنان مؤثر بودند (به‌طور مستقیم). علیرغم اینکه در حوزه رابطه بین باور به دنیای عادلانه و جهت‌گیری ارزشی و علاقه به پول به تفکیک در بین زنان و مردان تحقیقی در دسترس قرار نگرفت، با این حال مبانی نظری و پژوهشی قابلیت تفسیر یافته‌ها را فراهم می‌سازند. در الگوی حفاظت ارزشی اسکیتکا (۳) در صورتی که آنچه فرد از دنیا عایدش می‌شود یا برایش اتفاق می‌افتد همسو و همخوان با نظام ارزشی وی باشد، نتیجه یا رخداد عادلانه ارزیابی می‌شود و در مقابل اگر آنچه برای فرد اتفاق می‌افتد با نظام ارزشی وی همخوان و همسو نباشد، وی آن را ناعادلانه تلقی خواهد کرد. شواهد حاصل از تحلیل مسیر تفکیکی برای زنان و مردان حاکی از آن است که ترکیب نظام ارزشی مؤثر بر باور به دنیای عادلانه در زنان و مردان تا اندازه‌ای متفاوت است. در مردان کسب پول برای موفق بودن در کنار توجه به نفع همگانی و نیک‌خواهی دارای نقش جدی بر باور به دنیای عادلانه آنها بود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که وقتی گرایش‌های ارزشی غیراقتصادی (نظیر نوع دوستی، نفع همگانی و نیک‌خواهی) در کنار

گرایش‌های اقتصادی قرار می‌گیرند، ترکیبی از ارزش‌های اقتصادی و غیراقتصادی قادر به تأثیر بر باور به دنیای عادلانه مردان است. با احتمال زیاد این وضعیت از گرایش‌های مذهبی در جامعه برای توجه به وضع دیگر انسان‌ها و هموعان نشأت می‌گیرد. البته چنانچه در نمودار ۱ مشخص است، موفقیت در مردان نسبت به نیک‌خواهی و نفع همگانی دارای تأثیر نیرومندتری بر باور به دنیای عادلانه آنها بوده است. بنابراین کماکان این ایده مورد تأیید قرار می‌گیرد که گرایش‌های ارزشی در داورهای وجود عدالت در دنیا ابتدا جهت‌گیری نفع شخصی دارد و سپس به نفع همگانی گرایش پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد اگر مردان به نفع شخصی و موفقیت لازم که پول هم یکی از شاخص‌های آن است دست پیدا نکنند، چندان وقعی نیز به نفع همگانی نشان نمی‌دهند. در زنان دو بُعد موفقیت و پیشرفت بر باور به دنیای عادلانه مؤثر بودند. این یافته حاکی از آن است که زنان گروه نمونه پژوهش حاضر بر این باور بوده‌اند که چنانچه دنیا برای آنها امکان موفقیت (از طریق میزان مشخص و قابل توجه پول) و پیشرفت را فراهم آورد که دنیای عادلانه است و گر نه این چنین نیست. در واقع به نظر می‌رسد که زنان با توجه به محدودیت‌های بیشتری که به واسطه نقش‌های خود در درون ساختار خانواده و اجتماع دارند احساس می‌کنند که از موفقیت و پیشرفت و کار مستقل باز مانده‌اند. توجه به نمودار ۴ که در باب باور به دنیای ناعادلانه و عوامل مؤثر بر آن در پژوهش حاضر است خود این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند. در نمودار مذکور، اهمیت، موفقیت و برانگیزانندگی از ابعاد علاقه به پول، قادر به تأثیر بر باور به دنیای ناعادلانه زنان بوده‌اند. به نظر می‌رسد در شرایط امروز زنان نیز برای پول اهمیت لازم را قائل هستند، آن را به اندازه کافی نماد موفقیت و برانگیزاننده در نظر می‌گیرند. به‌رحال تمامی این سه بُعد با باور به دنیای ناعادلانه زنان دارای ضریب مسیر منفی و معنادار هستند. بنابراین هر چه زنان برای پول اهمیت، تلقی موفقیت و برانگیزانندگی بیشتری قائل باشند شرایط امروز دنیا را کمتر ناعادلانه داور می‌کنند. بنابراین هر چه به زنان برای توجه به پول و استفاده از آن به‌عنوان یک نماد و نشانه موفقیت و عامل برانگیزاننده، فرصت کمتری داده شود به‌طور طبیعی آنها گرایش به تلقی کردن دنیا به‌عنوان مکانی غیرعادلانه‌تر پیدا خواهند کرد. برای مردان باور به دنیای ناعادلانه فقط تحت تأثیر غیرمستقیم نیک‌خواهی به‌عنوی یک بُعد ارزشی توجه به غیرخویشتن بود و در مراحل بعدی نفع همگانی و قدرت بر نیک‌خواهی مؤثر بودند. این

هم سطح باور به دنیای عادلانه را بالا می‌برند. به ویژه در مردان چنانچه توجه همزمان به پول و نفع همگانی و نیک‌خواهی مورد تبلیغ قرار گیرد نتایج مثبتی به بار خواهد آورد. اما در زنان با احتمال زیاد تأکید بر موفقیت‌ها و پیشرفت‌های آنها از بُعد اقتصادی و غیراقتصادی از طریق مجاری اطلاع‌رسانی موجب تقویت باور به دنیای عادلانه و تضعیف باور به دنیای ناعادلانه در آنها می‌شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش الگوهای ارتباطی متفاوتی را برای جهت‌گیری ارزشی و علاقه به پول با باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه در زنان و مردان به دست داد. شواهد کلی حاکی از آن بود که گرایش‌های ارزشی اقتصادی‌محور اهمیت‌ی که مردان برای پول قائل هستند در درجه اول باور به دنیای عادلانه آنها را از خود متأثر می‌سازد. سپس عناصر مربوط به نعدوستی و نفع همگانی مطرح می‌شود. در زنان ماهیتاً عناصر موفقیت و پیشرفت مطرح بود که در واقع از محدودیت‌های موجود بیشتر برای زنان نشأت می‌گرفت. بالاخره در مردان این تمایل مطرح بود که در صورت نیک‌خواهی، آنها دنیا را مکانی مملو از عدالت (بی‌عدالتی کمتر) تلقی می‌کنند و در مقابل زنان در صورت توجه و اجازه توجه بیشتر به پول (بواسطه اهمیت، موفقیت و برانگیزانندگی) دنیا را مکانی سرشار از عدالت (بی‌عدالتی کمتر) ارزیابی می‌نمودند.

شواهد حاکی از آن است که هر چه نیک‌خواهی مردان بالاتر می‌رود گرایش به تلقی کردن دنیا به‌عنوان مکانی سرشار از بی‌عدالتی کاهش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر اگر مردان جامعه از لحاظ رفتار نیک‌خواهانه و نعدوستانه تقویت شوند به‌طور طبیعی تلقی آنها از اینکه دنیا مکانی سرشار از بی‌عدالتی است که با آنها غیرمنصفانه رفتار خواهد کرد کاهش می‌یابد. این تا اندازه قابل توجهی در راستای تأیید این ایده در حوزه باور به دنیای عادلانه است که این گونه باورها دارای کارکرد شخصی الزام و تعهد در رفتار به شیوه منصفانه است. در واقع نتایج این پژوهش حاکی از آن است که با تأسی مردان به جهت‌گیری ارزشی نیک‌خواهی اینکه دنیا با آنها ناعادلانه رفتار کند یا احیاناً این که دنیا را مکانی سرشار از بی‌عدالتی تلقی کنند، کاهش می‌یابد. به‌رحال بر پایه یافته‌های این پژوهش پیشنهادات چندی قابل طرح است. در درجه نخست بر پایه نتایج مطالعاتی که تا کنون در داخل و خارج از ایران درباره باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه صورت گرفته و به واسطه نقشی که این نوع باورها (بویژه باور به دنیای عادلانه و نه باور به دنیای ناعادلانه) در سلامت عمومی و بهزیستی دارند، می‌توان مسیرهای تقویت‌کننده باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه را برای زنان و مردان از طریق کانال‌های مختلف نظیر رسانه‌ها و مراکز آموزشی بدین صورت مورد تأکید قرار داد: برای مردان تقویت نگرش یا علاقه به پول در حوزه موفقیت و در حوزه جهت‌گیری ارزشی تقویت گرایش به نفع همگانی و نیک‌خواهی همراه با هم و برای زنان تقویت موفقیت در حوزه علاقه به پول و پیشرفت در حوزه جهت‌گیری ارزشی همراه با

واژه‌نامه

1. Value protection model	الگوی حفاظت ارزشی	11. Self-transcendence versus self-enhancement	تعالی خویشتن در برابر خودافزایی
2. Skitka	اسکیتکا	12. Universalism	گرایش به نفع همگانی
3. Mullen	میولن	13. Benevolence	نیک‌خواهی
4. Mc Clintock	مک کلین توک	14. Power	قدرت
5. DeCremer	دی کرمر	15. Achievement	پیشرفت
6. Social value orientation	جهت‌گیری ارزشی اجتماعی	16. Openness to change versus conservation	پذیرش تغییر در برابر محافظه‌کاری
7. Prosocially	معطوف به جامعه	17. Economical value orientation	جهت‌گیری ارزشی اقتصادی
8. Proself	معطوف به خود	18. Just world	دنیای عادلانه
9. Schwartz	شوارتز		
10. Schwartz value survey	زمینه‌یابی ارزشی شوارتز		

19. Lucas, Alexander, Firestone & Leberton	لوکاس، الکساندر، فایرستون و لیبرتون	23. Success	موفقیت
20. Love to money	علاقه به پول (عشق به پول)	24. Richness	غنی بودن
21. Tang & Chiu	تانگ و چیو	25. Motivator	برانگیزاننده
22. Importance	اهمیت	26. Rubin & Peplau	رابین و پیلاو

منابع

1. Lipponen J, Olkkonen ME, Myyry L (2004). Personal value orientation as a moderator in the relationship between perceived organizational justice and its hypothesized consequences. *Social Justice Research* 17(3): 275-292.
2. Feather NT (1994). Human values and their relation to justice. *Journal of Social Issues* 50: 129-151.
3. Skitka LJ (2002). Do the means always justify the ends, or do the ends sometimes justify the means? A value protection model of justice reasoning. *Personality and Social Psychology Bulletin* 28: 588-597.
4. Skitka LJ, Mullen E (2002). Understanding judgments in a real world political context: A test of a value protection model of justice reasoning. *Personality and Social Psychology Bulletin* 28: 1419-1429.
5. McClintock CG (1972). Social motivation: A test of propositions. *Behavioral Science* 17: 438-454.
6. De Cremer D (2002). The self – relevant implications of distribution rules: when self – esteem and acceptance are influenced by violations of the equity rule. *Social Justice Research* 15: 327-339.
7. Schwartz SH (1992). Universals in the content and structure of values: Theoretical advances and empirical tests in 20 countries. In Zanna, MP (ed.), *Advances in experimental social psychology*, Academic Press, San Diego, CA Vol 25: 1-65.
8. Schwartz SH, Lehman A, Roccas S (1999). Multi method probes of basic human values. In Demopoulos J, Kashima, Y (eds.), *Social psychology and cultural context*. Sage, Thousand Oaks, CA: 107-123.
9. فرنهام آدریان و آرگایل مایکل. روانشناسی پول. ترجمه شهلا یاسایی. چاپ اول، تهران: گروه علمی انتشارات رشد ۱۳۸۴: ۶۹-۴۵.
10. Tang TLP, Chiu RK (2003). Income, money ethic, pay satisfaction, commitment, and unethical behavior: is the love to money the root of evil for Hong Kong employees? *Journal of Business Ethics* 46: 13-30.
11. Furnham A (2003). Belief in a just world: research progress over the past decade. *Personality and Individual Differences* 34: 795-817.
۱۲. گل‌پرور محسن و عریضی حمیدرضا. اعتباریابی همزمان پرسشنامه‌های باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه اصفهان ۱۳۸۶، شماره ۴: ۲۱۲-۱۹۳.
13. Lucas T, Alexander S, Firestone I, Leberton JM (2007). Development and initial validation of a procedural and distributive just world measure. *Personality and Individual Differences* 43: 71-82.
14. Tyler TR, DeGoey O, Smith H (1996). Understanding why the justice of group procedures matters: A test of the psychological dynamics of the group value model. *Journal of Personality and Social Psychology* 70: 913-930.
15. Rubin A, Peplau LA (1973). Belief in a just world and reactions to another's lot: A study of participants in the National Draft Lottery. *Journal of Social Issues* 29(4): 73-93.
16. Rubin A, Peplau LA (1975). Who believes in a just world? *Journal of Social Issues* 31: 65-90.
۱۷. گل‌پرور محسن. ساختار عاملی پرسشنامه‌های رابین و پیلاو در ایران – تمایزی بر باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه. مقاله در مرحله داوری در مجله علوم روانشناختی ۱۳۸۶.
18. Furnham A, Procter E (1989). Belief in a just world: review and critique of the individual difference literature. *British Journal of Social Psychology* 28: 365-384.
۱۹. منصورفرکریم. روش‌های پیشرفته آماری، همراه با برنامه‌های کامپیوتری. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۶: ۲۵۱-۱۹.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار